



انقلاب امید بخش

چهاردهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران را که همزمان با آغاز چهارمین سال فعالیت نشریه رازی است، خدمت تمامی همکاران گرامی تبریک عرض نموده و آرزو می‌نمائیم همچون گذشته و برای همیشه رهرو راه این انقلاب کبیر و رهبر گرانقدرش باشیم. پیروزی انقلاب اسلامی ایران در میان همه ناباورها، به واقع طرح جدیدی در جهان سیاست و عرصه مکتبهای فکری موجود در انداخت و نگاههای بسیاری را به خود معطوف ساخت. چشمهای مشتاق میلیونها انسان مستضعفی که از روابط ظالمانه حاکم بر جهان به تنگ آمده و فرشته‌ای نجاتبخش را انتظار می‌کشیدند، به نور عدالت روشن شد. بهار در زمستان سرد و در خارستان یأس و ناامیدی ایران، گل بوته‌های امید رویانید. جهان سلطه به لرزه افتاد و ستم دیدگان جان تازه‌ای گرفتند. بشریت به عصری که عدالت، آزادی، استقلال و معنویت را نوید میداد، گام نهاد.

بدون تردید بعد از ورود اسلام به ایران که با استقبال مردم حق طلب و بیجان آمده از ستم ساسانی روبرو شد، انقلاب اسلامی بزرگترین واقعه حیات این ملت است که منشاء بزرگترین تحولات در زندگی مردم گردید. گرچه تاریخ ایران سرشار از حوادث و وقایع سیاسی و اجتماعی است، اما هیچکدام از این حوادث به عظمت و عمق انقلاب اسلامی نبوده‌اند. این انقلاب سبب شد تا هویت دینی مردم ما که آمیخته با هویت ملی نیز شده بود احیا شود. ملت ایران در سایه انقلاب بزرگ اسلامی، شخصیت اصیل و حقیقی خود را بازیافت. شخصیتی که صدها سال پایمال زورگویی و جباریت شاهان خودکامه و نظام‌های ضد مردمی شده بود. مردم مسلمان ایران در سایه این انقلاب خدایی، هویتی

انقلابی یافتند و با تکیه بر ایمان اسلامی و اراده قاطع خویش با دست خالی به میدان نبرد آمدند. در همین عرصه بود که یکی از قویترین رژیمهای وابسته به استکبار جهانی توسط مردم غیور به شکست کشیده شد. بدین ترتیب ایران که زمانی جزیره ثبات منطقه به حساب می‌آمد تبدیل به مرکز مبارزه با استکبار جهانی و در رأس آن امریکا گردید.

انقلاب اسلامی ایران نتیجه حضور نیرومند فرهنگ دینی در بطن جامعه و حضور روحانیت اصیل در میان مردم است. روحانیت در طول زمان، هویت فرهنگی و دینی مردم را حفاظت نموده و در زمان مناسب با هدایت آن، بزرگترین حرکت تاریخ کشور را بوجود آورده است. این حرکت همانگونه که بعدها ملاحظه شد، در چارچوب مرزهای ایران محدود نگردید و سایر کشورهای اسلامی و جهان سوم را در بر گرفته و استکبار را در سراسر جهان به مبارزه طلبید. این انقلاب اکنون الگوی اکثر مسلمانان در کشورهای مختلف بوده و برای تمامی آنها نویدبخش آزادی، عدالت و معنویت شده است.

دست اندرکاران نشریه رازی همگام با امت مسلمان ایران و تمامی مستضعفین جهان، چهاردهمین سالگرد انقلاب امیدبخش اسلامی ایران را گرامی داشته و بر خود واجب می‌دانند که برای همیشه پاسدار خون شهدا و ارزشهای انقلاب باشند.

اکنون جهت قدردانی هرچه بیشتر از ایثار و جان‌باختگی ملتی مظلوم ضمن نقل خاطراتی از دوران افتخارآمیز انقلاب، به بررسی بسیار مختصر آنها می‌پردازیم:

در آبان ماه ۱۳۵۷ دانشگاههای کشور مانند سایر قسمتها از جنب و جوش خاصی برخوردار بود. اکثریت دانشجویان و همچنین مردم عادی در این محل‌ها گردآمده و برنامه‌های گوناگون انقلابی را اجرا می‌کردند. تشکیل سخنرانها، بحث و گفتگو، تظاهرات، شعر خوانی و تحصن از جمله برنامه‌هایی بود که در این اماکن برگزار می‌شد. یکی از این برنامه‌ها مربوط به سخنرانی شهید بزرگوار استاد مطهری در دانشگاه صنعتی شریف بود. ایشان حدود یکساعت در مورد نهضت اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی سخنرانی کرد و تفسیری جدید از یک روایت را ارائه داد که در آن زمان منحصر به فرد بود. ایشان اظهار داشت: "من در روایات دیده‌ام که زمانی فرا میرسد که خورشید از مغرب طلوع می‌کند، و همیشه این روایت برای من عجیب و غیرعملی به نظر می‌رسید. اما اکنون که امام در پاریس هستند و در حال نور افشانی بر ایران و تمام جهان اسلام می‌باشند مفهوم این روایت برای من روشن شده و بخوبی آن را درک می‌کنم."

پس از اتمام سخنرانی ایشان، جمعیت حاضر در جلسه که عمدتاً جوان و دانشجو بودند به سوی سالن دیگر در این دانشگاه حرکت کردند تا عکسهای شاه و فرح را از دیوار پائین کشیده و آتش بزنند. عکسها در ارتفاع تقریباً ده متری قرار داشت و دسترسی به آن بسیار مشکل بود. تعدادی از دانشجویان به جستجو پرداختند و پس از مدتی نردبانمانندی پیدا کردند و از طریق آن خود را به عکسها رساندند. طول و عرض عکسها حدود ۴ متر در ۲ متر و بسیار محکم نصب شده بود. پائین کشیدن عکسها با توجه به عدم دسترسی به آن و نبودن وسیله کافی کار بسیار مشکلی بود و هر لحظه خطر سقوط برای دانشجویان مربوط وجود داشت. مسئله دیگری که کار را سخت‌تر میکرد شایعه حمله چماقداران به دانشگاه و ضرب و شتم دانشجویان بود. آنان تا آتروز بارها مردم را در نقاط مختلف کشور مورد حمله قرار داده و با ارتکاب جنایاتی هراس‌انگیز، رعب و وحشت عجیبی ایجاد کرده بودند. در چنین جوی انجام چنان اقدامی بسیار مشکل می‌نمود. حدود نیم ساعت طول کشید تا با تلاش بسیار زیاد دانشجویان عکس بسیار بزرگ شاه را

از دیوار سالن اصلی دانشگاه به زیر کشیدند و آن را به محوطه باز دانشگاه آوردند. در آنجا کلیه افراد حلقه‌ای بسیار بزرگ تشکیل داده و همراه با شعارهای اسلامی و انقلابی عکس شاه را به آتش کشیدند. شعله‌های آتش با توجه به بزرگی عکس به قدری زیاد بود که خطر سوختگی بعضی افراد را تهدید می‌کرد. اما بحمدالله صدمه‌ای به کسی وارد نگردید و دانشجویان پس از انجام این کار متفرق شدند و عملیات به پایان رسید.

خاطره دوم مربوط به روز ۲۱ بهمن ۵۷ است. در این روز از طرف فرماندار نظامی تهران ساعت شروع حکومت نظامی ۴/۳۰ بعد از ظهر اعلام شده بود. آنها تصمیم داشتند با زندانی کردن مردم در خانه‌ها و با انجام یک کشتار بزرگ از رهبران انقلاب به خیال خود قضیه را خاتمه دهند. اما با دستور رهبر کبیر و آگاه انقلاب حضرت امام خمینی، مردم در خیابانها ماندند و به مبارزه ادامه دادند و نقشه دشمنان خنثی گردید. این حادثه همزمان با حمله گارد جاویدان به پادگان نیروی هوایی بود که افسران نیروی هوایی نیز با کمک مردم مقاومت کرده و در نتیجه، این نیرو بطور کامل به مردم پیوسته بود. روز ۲۱ بهمن، میدان امام حسین، خیابان تهران‌نو، میدان شهدا و خیابان نیروی هوایی تقریباً مرکز اصلی انقلاب بود. در این خیابانها مردم به کمک افسران نیروی هوایی، به حفر سنگر پرداخته و آرایش نظامی بخود گرفته بودند. در این منطقه، شهر کاملاً حالت جنگی و نظامی داشت و مشخص بود که آخرین مقاومت‌ها باید در اینجا صورت پذیرد. مردم از ساعت ۴/۳۰ بعد از ظهر منتظر حمله گارد جاویدان و نیروهای وابسته به رژیم بودند. آنان در سنگرها و کوچه‌های اطراف با کوکتل مولوتف و هر وسیله دیگری که در دسترس داشتند خود را آماده کرده بودند که به محض ورود نیروهای رژیم با تمام توان بر آنان بتازند. تا ساعت ۲/۳۰ بامداد ۲۲ بهمن، اتفاقی مهم واقع نشد، اما نزدیکهای صبح چند تانک در خیابان تهران‌نو به حرکت درآمد که بلافاصله مردم با کوکتل مولوتف به آنها حمله کردند و تانک‌ها را از کار انداخته و خدمه آن را از بین بردند. یکی از تانکها در خیابان تهران‌نو در مقابل بیمارستان جرجانی منهدم گردید. تانک دیگر در وسط میدان امام حسین مورد حمله قرار گرفت و راننده آن که یک سرتیپ گارد شاهنشاهی بود بدست مردم از پای درآمد. در آن لحظه مردم آنقدر خشمگین بودند که حتی جنازه او را مورد حمله قرار میدادند. بعد از این حادثه تا زمانی که هوا روشن شد و صبحگاهان فرار رسید و آفتاب پیروزی تابیدن گرفت اتفاقی نیفتاد. با آغاز روز، مردم از نقاط مختلف شهر به دیدار این منطقه می‌آمدند و عطر پیروزی را استشمام می‌کردند. آن روز ۲۲ بهمن بود، روز پیروزی، روزی که ایثارگری و مقاومت‌های امتی انقلابی به نتیجه رسید و پرچم پرافتخار اسلام بدست خمینی کبیر برای همیشه در ایران اسلامی به اهتزاز درآمد.

با نگاهی بسیار گذرا بر این دو خاطره می‌توان به یک نتیجه واحد رسید و آن اینکه رژیم شاه هیچگونه پایگاه مردمی نداشت و حتی در میان ارتش که آن را پشتیبان سلطنت خود می‌دانست، گروهی نبود که از او دفاع کند، به همین دلیل برای مقابله با مردم عمدتاً از ساواک و چماقداران (همان ساواکیها و افراد گارد شاهنشاهی با لباس مبدل و تعدادی لومپن‌های اجیر شده) استفاده می‌کرد. حضور یک سرتیپ گارد در پشت تانک برای حمله به مردم مشخص می‌سازد که هیچکدام از رده‌های پائین ارتش حاضر به مقابله با مردم نبودند و فقط تعداد معدودی از امرای گارد، از رژیم دفاع می‌کردند.

امید است با ذکر این خاطرات و بزرگداشت آن ارزشها بتوانیم دین خود را به ملت سلحشور ایران ادا کرده و فداکاریهای آنها را در جهت دستیابی به استقلال و آزادی پاس داریم.

دکتر سید محمد صدر